بسم الله الرحمن الرحیم

خســـــــــــــرو شـــــــــــیرین

خاطرات شفاهی شهید سردار خسرو کاووسی

مولفان :

فاطمه دیلمی کیا

جاسم دیلمی مقدم

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران – ۱۴۰۵)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

Chaponashr.ir

سرشناسه : دیلمی کیا ، فاطمه ، ۱۳۶۲
عنوان و نام پدیدآورگان : خسرو شیرین؛ خاطرات شفاهی شهید سردار خسرو کاووسی/ مولفان: فاطمه دیلمی کیا ، جاسم دیلمی مَقدم
مشخصات نشر : انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۵.
مشخصات ظاهری : ۲۷۱ ص.
شابک : ۹-۴۸۷-۱۲۹-۶۲۲-۹۷۸
شناسه افزوده: دیلمی مقدم ، جاسم ، ۱۳۵۹
وضعیت فهرست نویسی : فیپا
یادداشت : کتابنامه.
موضوع : خسرو شیرین ــ خاطرات شهید ــ دفاع مقدس
رده بندی کنگره : TP ۹۸۳
رده بندی دیویی : ۶۶۸/۵۵
شماره کتابشناسی ملی : ۸۷۹۶۴۵۲۱
اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیپا

نام کتاب : خسرو شیرین؛ خاطرات شفاهی شهید سردار خسرو کاووسی
مولفان : فاطمه دیلمی کیا - جاسم دیلمی مقدم
ناشر : انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)
صفحه آرایی، تنظیم و طرح جلد: الهام غفاری
تیراژ : ۱۰۰۰ جلد
نوبت چاپ : اول ــ ۱۴۰۵
چاپ : زبرجد
قیمت : ۴۵۰۰۰۰تومان
فروش نسخه الکترونیکی - کتاب رسان :
https//:chaponashr.ir/ketabresan
شابک : ۹-۴۸۷-۱۲۹-۶۲۲-۹۷۸
تلفن مرکز پخش : ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵
www.chaponashr.ir









تقدیم

تقدیم به تمام آنانی که بی منت وارد عرصه نبرد شدند و در عرصه الهی جاودان گشتند.

تقدیم به تمام شهدای سپاه آغاجاری امیدیه و میانکوه از انقلاب تاکنون وخانواده‌های گرامی اشان.

تقدیم به همه ی همسران جانبازان و ایثارگران که با صبری به غایت زینب وار ، حامی حضور مردانشان در جبهه‌های و دلیل پایداری اشان و سرآغاز سرافرازی خاکمان شدند.

تقدیم به همسر و فرزندانم که در این چهارسال و اندی نگارش کتاب با صبوری یاریگرم بودند.

فهرست

مقدمه ۱۱

یادداشت نگارنده ۱۶

روایت اول :راوی اسماعیل کاووسی (برادر) ۲۱

شهرثروتمند من، سنتریلی..... ۲۱

تصاویر روایت اول ۲۹

روایت دوم .راوی رمضانعلی لطفی(رفیق) ۳۱

فوتبال ،عشق اول ۳۱

تصاویر روایت دوم..... ۴۱

روایت سوم ..راوی آقای عزت الله بهمیی (دوست) ۴۳

غیرتمند ۴۳

روایت چهارم .راوی رمضانعلی لطفی(رفیق) ۴۸

انقلاب آغاجری..... ۴۸

تصاویر روایت چهارم ۶۰

روایت پنجم :راوی رمضانعلی لطفی(رفیق)..... ۶۴

شکفتن جوانه ها..... ۶۴

روایت ششم : راوی اسماعیل کاووسی(برادر)..... ۷۱

سرباز خمینی ۷۱

راوی خانم مریم افسر(همسر)..... ۷۳

داماد جوان ۷۳
تصویر روایت هفتم ۸۰
روایت هشتم: راوی عزت الله بهمیی(دوست) ۸۱
خدمت ،شهادت ۸۱
روایت نهم :راوی اقای عزت الله بهمیی ۸۳
خین ،حدود ، مرزهای انسانیت ۸۳
تصویر روایت : نهم ۸۸
روایت دهم : راوی شهید خسرو کاووسیاولین کبوتر شهرم ۸۹
روایت یازدهم : راوی آقای عزت الله بهمیی ۹۴
شهریور خونین ۹۴
روایت دوازدهم : راوی شهید خسرو کاووسی ۱۰۶
پل نو،پل جادانگی ۱۰۶
روایت سیزدهم:راوی آقای قدرت الله علیرضا پور(همرزم) ۱۱۱
محمد کمکم کن ۱۱۱
تصویر روایت سیزدهم ۱۱۶
روایت چهاردهم: راوی خانم مریم افسر(همسر) ۱۱۷
عکس روی دیوار ۱۱۷
روایت پانزدهم : راوی آقای محمد درخور(همرزم) ۱۲۵
عملیات ثامن الائمه ۱۲۵

تصاویر روایت پانزدهم ۱۳۳
روایت شانزدهم: راوی عزت الله بهمیی(همرزم) ۱۳۹
عملیات بیت المقدس،اشک ها وامیدها ۱۳۹
روایت هفدهم :روای خانم مریم افسر(همسر) ۱۴۵
بابا شدی ۱۴۵
روایت هجدهم :راوی خانم مریم افسر (همسر) ۱۵۱
تنهاترین تنها ۱۵۱
روایت نوزدهم : راوی خانم مریم افسر (همسر) ۱۵۴
خیبر و خردل ۱۵۴
تصویر روایت نوزدهم ۱۵۹
روایت بیست و یکم :راوی رمضانعلی لطفی(همرزم و رفیق) ۱۶۲
تیپ۷۲ محرم ۱۶۲
تصاویر روایت بیست و یکم ۱۶۹
روایت بیست و دوم : راوی رمضانعلی لطفی (همرزم و رفیق) ۱۷۳
فوتبال میان آتش ۱۷۳
روایت بیست و سوم:راوی منصور جمهیری(همرزم) ۱۷۵
عملیات بدر، جدال هور وآتش ۱۷۵
تصاویر روایت بیست و سوم ۱۸۰
روایت بیست وچهارم :راوی حسین سرخیلی (همرزم) ۱۸۵

عاشورای دو، تشنگی و اسارت ۱۸۵
تصاویرروایت بیست وچهارم..... ۱۹۱
روایت بیست وپنجم: راوی عباس کاووسی(برادر) ۱۹۴
رفیق همه ۱۹۴
روایت بیست و ششم : راوی آقای محمد درخور(همرزم) ۱۹۷
پدافندی شلمچه ۱۹۷
تصاویر روایت بیست و شش ۲۰۲
روایت بیست وهفتم: راوی اسماعیل عامری (همرزم) ۲۰۵
گردان ش. م. ه ۲۰۵
تصاویر روایت بیست و هفتم ۲۰۸
روایت بیست و هشتم : راوی آقای محمد درخور(همرزم) ۲۱۰
ژاژیله، سرزمین ، گل ها ،قله ها و دره ها ۲۱۰
تصاویر روایت بیست و هشتم ۲۱۴
از راست خسرو کاووسی ۲۱۴
روایت بیست و نهم: راوی آقای محمد درخور(همرزم)..... ۲۱۶
حلبچه، حقوق بی بشر !!! ۲۱۶
روایت سی ام: روای خانم مریم افسر(همسر) ۲۲۲
ابوالقاسم ۲۲۲
روایت سی و یکم :راوی آقای اسماعیل عامری(همرزم) ۲۲۴

جزیره جهنم شد!!! ۲۲۴
تصاویر روایت سی و یکم ۲۲۸
روایت سی و دوم :راوی آقای احمد سلحشور ۲۳۰
پیر پهلوان ۲۳۰
روایت سی و سوم : راوی :مرضیه کاووسی(فرزند) ۲۳۲
تمام سربازان فرزندانم هستند. ۲۳۲
روایت سی و چهارم: راوی محمد پریشانی..... ۲۳۴
مثل پدر ۲۳۴
روایت سی و پنجم: راوی خانم مریم افسر(همسر)..... ۲۳۷
فرشته ی غیب ۲۳۷
روایت سی و ششم :راوی خانم مریم افسر (همسر) ۲۳۹
خدمت به خلق ۲۳۹
منابع ۲۷۱

مقدمه

وقتی سخن از شخصیت به میان می آید ، منظور ، مجموعه ای از صفات و ویژگی های رفتاریست که در طی سالیان ، در یک فرد ، بصورت پایدار درآمده اند .این ویژگی ها اغلب در دو حوزه فردی و اجتماعی ، قابل بررسی هستند. شخصیت زنده یاد ، خسرو کاووسی ، در هر دو حوزه فردی و اجتماعی ، واجد ویژگی های برجسته ای بود که به اعتقاد بنده ، این ویژگی ها در هر فرد دیگری هم می تواند نمود بیابد و او را همچون کاووسی از جایگاهی ممتاز در نگاه و قلب دیگران برخوردارکند.

ایشان از منظر مشی و منش فردی ، انسانی به غایت متین ، موقّر ، فداکار ، باانگیزه ، صبور و پرتلاش بودند و در حیطه اخلاق اجتماعی بخصوص در مقطع دفاع مقدس ، ازجمله فرماندهان صاحب نام با توان بالای مدیریتی به شمار می رفتند.

زنده یاد ، کاووسی ، از تبار مجاهدانی بودند که بر سینه عافیت ، دست رد زده و از نخستین روزهای جنگ تحمیلی تا آخرین روز حیات شریفشان ، بر میثاق خود با یاران سفرکرده ، استوار بودند .ایشان از ساکنان قدیم جبهه های جنگ و از حاملان ترکش های ریز و درشتی بودند که تا پایان عمر گرانقدرشان ، به همزیستی نه چندان مسالمت آمیز با این تجسم استقامت ادامه دادند.

بارها در مناطق مورد بمباران هوایی دشمن از جمله در منطقه عملیاتی خیبر ، حلبجه و والفجر ۸ ، دچار مصدومیت با عوامل شیمیایی شدند اما هیچکدام از این مجروحیت ها و آسیب های جسمی ، نقطه پایانی بر حضور ثابت قدمانه این فرمانده پر اراده ، تا پایان جنگ و حتی سالها پس از آن در مناطق عملیاتی نبودند.

باید افزود : این یک اصل مسلم است که پاره ای مدیران ، دارای قابلیت های رهبری ستادی و پاره ای دیگر دارای قدرت اجرایی و عملیاتی می باشند اما بی هیچ مُجامله و اغراق ، زنده یاد کاووسی در هر دو سطح رهبری ، از توانایی های منحصر به فردی برخوردار بودند که با همین قابلیت ها ، به هر مسئولیتی منصوب می شدند ، سازمان تحت اداره ایشان ، مجموعه ای منظم و پویا دیده می شد که هر روز ، بیش از روز پیش در حال دستیابی و تثبیت اهداف از پیش تعیین شده بود.

زنده یاد کاووسی ، مدیری دارای قدرت تمرکز بالا و با مهارت های ذهنی قابل توجهی همچون : آینده نگری ، استدلال و توان حل مسئله بودند و در حیطه مهارت های ارتباطی ، چه ارتباط با فرماندهان رده های بالاتر و چه در زمینه ارتباط با فرماندهان و نیروهای تحت امر ، از خصوصیات متمایزی برخوردار بودند.

این خصوصیات ، بویژه در ارتباط با نیروهای تحت امر ، آن چنان سطح و عمقی داشتند که تمام نیروهای ایشان ، وی را همواره و با تمام وجود همانند برادری دلسوز و پدری مهربان پذیرا بوده و بسیاری از نیروهای دیگر گردان ها ، در آن می کوشیدند تا در یگانی به ادامه خدمت بپردازند که زنده یاد کاووسی ، فرماندهی آن را بر عهده داشتند.

از بارزه های بزرگ جناب کاووسی ، خودانضباطی شدیدی بود که بیش از همه در شخصیت نظامی ایشان نمود داشت .بعبارتی ، ایشان بسیار مقید به نظم و انضباط در انجام وظایف و ماموریت های محوله بودند و این قابلیت ممتاز ، بعنوان یک ویژگی اکتسابی و ثابت ، در مورد کوچکترین تا بزرگترین موارد ملاحظات نظامی ، همیشه در رفتار وی ، بروز و ظهور داشت و سبب می شد تا یگان تحت امر ایشان در هر مقطع از دوران دفاع مقدس ، یگانی با کمترین میزان تلفات و خسارات ممکن باشد .همین یک موضوع ، سطح انتظارات فرماندهان رده های بالاتررا از وی برمی کشید و در کنار دیگر خصوصیات ارزشمند نظامی ، باعث می شد تا این شاهباز قله های رفیع جهاد و شهادت ، همواره امتیاز بالایی از دستاوردهای مسئولیتی را در کارنامه فرماندهی خود داشته باشند ، به گونه ای که هر فرمانده رده بالاتر ، برای تقویت سازمان رزم خود ، به فردی خوش فکر ، پرتجربه و به شدت مقید به اصول برنامه ریزی همانند وی نیازمند بود.

ایشان آینه تمام نمای ثبات و صلابت در راه هدف بودند به نحوی که وقتی در میادین دفاع مقدس به او نگاه می کردید ، همانند آن بود که به دماوند نگاه می کنید در هر نقطه از صحنه نبرد او را از نظر می گذراندید ، انگار که معنای شُکوه را در لغتنامه فارسی در پیش رو دارید.

جناب کاووسی در تمام جبهه ها ، پا به پای خطر بودند .پشت هر لحظه حضورشان در جبهه ، شهادتی بود یا دست کم ، جراحتی اما در میان آن همه آتش ، در آن خطوط مُشوّش ، در آن لحظه ها که بوی باروت و خون ، هر مشامی را پر می کرد ، در دل ایشان ، نه ترسی از تک و پاتک بود ، نه خوفی از مین و کمین .گویا زمین و زمان ، پیش چشمشان هیچ بودند و تمام وجودشان ، وصال محض بود و اداء تکلیف.

در مهلکه های چندی از جمله در معرض یک آتش تهیه سنگین دشمن در جزیره مجنون جنوبی عراق در مرداد سال ۱۳۶۶ ، در حالی که با سراسیمگی در پی یافتن جان پناهی برای خود بودم و این مصرع از نخستین غزل حافظ ، به تکرار در خاطرم می دوید که : که عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکل ها ، برای لحظه ای از دیدن جناب کاووسی با آن قامت مصمم و چشمان خالی از هر تردید ، متعجب شدم که چگونه بی اعتنا به آن همه گلوله توپ و خمپاره ای که در اطراف ما زمین را به شخم می نشستند ، با همان وقار همیشگی ، نیروهای در خط را به پناه گرفتن در سنگرها ، فرمان می دادند.

فارغ از انگیزه های سیاسی ـ نظامی سران حزب بعث برای عبور مجدد از مرزهای بین المللی ، آنچه مهم می نمود ، بسیار ملتهب و بحرانی بودن شرایطی بود که بر آن روزهای جبهه های جنوب کشور حاکم بود و در بحبوحه همین روزهای تنش زا بود که زنده یاد کاووسی از سوی فرماندهی تیپ مستقل ۸۵ امام موسی بن جعفر (ع) به سِمَت فرماندهی محور عملیاتی در خطوط پدافندی یگان مزبور ، منصوب گردیدند .حوزه و مقرفرماندهی که پهنه ای میان تقاطع جاده سیدالشهدا (ع) با سیلبند شهید بقایی از یک سو و تقاطع سیلبند شهید بقایی با جاده شهید همت تا شکاف میان خودی و دشمن بر روی جاده مذکور در شمال شرق و شرق جزیره مجنون عراق در دیگرسو را در بر می گرفت.

در پایان این ماموریت که تا انتهای سال ۱۳۶۹ ادامه داشت ، نظر به حسن فرماندهی و کنترل منسجم زنده یاد کاووسی ، در جمع شورای فرماندهی تیپ مستقل ۸۵ امام موسی بن جعفر (ع) ایشان به عنوان فرمانده نمونه ، مورد تشویق و تقدیر رسمی قرار گرفتند.

زنده یاد کاووسی ، از چهره های خیّر شهرستان امیدیه محسوب شده و با توجه به خصال والای انسانی که شخصیت ایشان را شاکله می بخشیدند ، با پایان دوران رسمی حضور در سپاه پاسداران در فعالیت های عام المنفعه متعددی مشارکت داشته و نقش موثری نیز در اعتلای ورزش شهرستان داشتند.

ایشان از شخصیتی محبوب نزد تمامی اقشار و اصناف اجتماعی برخوردار بوده و در سالیان مواجهه با عارضه قلبی ، بسیاری را نگران و پیگیر وضعیت سلامت خود ساخته بودند ، آنگونه که پخش پیام ضبط شده ایشان در بخش مراقبت های ویژه بیمارستان بقیه الله تهران در گردهمایی بزرگ رزمندگان گردان سیدالشهدا (ع) که در تیرماه ۱۳۹۵ در شهرستان اهواز به اجرا درآمد ، و شنیدن صدای مرتعش و دردآلود آن اسوه رادمردی و شجاعت که خطاب به رزمندگان و ایثارگران سالهای جهاد و شهادت ایراد می شد ، هوای دیدگان همه حاضران در آن محفل با شکوه را ابری ، بلکه به شدت بارانی ساخت.

بدون شک ، خاطره سالهای حضور این ابرمجاهد جبهه های جنگ و یاد آن انسان والا ، تا همیشه بر جریده خاطر همه دوستان و دوستداران آن وجود گرم و گرامی ثبت و ضبط بوده و هرگز به گذر دوران ، زدودنی نخواهد بود. نام عزیزش ، همواره بر تارک شهرستان نامی امیدیه و استان بلندآوازه خوزستان و ایران پاینده در درخشش باد.

اسماعیل عامری ، از نیروهای مخلص گردان سیدالشهدا ، شهریور ۱۴۰۳